

تعیین‌کننده‌های اجتماعی تعامل افراد با غریبه‌های شهری در سنندج

مسعود گلچین^۱، سیدحسین سراج‌زاده^۲، عبدالحسین کلانتری^۳، کمال خالقی‌پناه^۴، صباح‌الدین مفاخری^۵

چکیده

در عصر شهری، ارتقاء مراقبت و احترام اجتماعی برای حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. هدف مقاله حاضر، بررسی وضعیت تعامل اجتماعی شهروندان با غریبه‌های شهری و عوامل مؤثر بر آن در شهر سنندج است. روش این تحقیق پیمایش و از ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها در آن استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل افراد ۱۵ سال به بالای ساکن شهر سنندج بود که حجم نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر است که ۳۶۰ نفر انتخاب و در نظر گرفته شدند. نمونه‌های مورد پژوهش از طریق خوشه‌بندی محلات شهر سنندج و انتخاب نمونه به شیوه تصادفی سیستماتیک از سه خوشه محل انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی، ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌ها نشان داد که بین فعالیت انتخابی در فضاهای شهری و تعامل با غریبه‌ها رابطه معناداری مشاهده می‌شود. نتایج تحقیق نشان داد که بین میزان تعامل با غریبه‌های شهری در افراد مجرد و متأهل تفاوت وجود دارد. همچنین بین متغیرهای فعالیت انتخابی در فضاهای شهری، احساس احترام و اعتماد عمومی و تعامل با غریبه‌ها رابطه معناداری هست.

golchin@khu.ac.ir

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

serajzadeh@khu.ac.ir

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

abkalantari@ut.ac.ir

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

kkhaleghpanah@gmail.com

۴- استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان

mafakeri.sb@khu.ac.ir

۵- دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۱۹

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۶/۵

واژه‌های کلیدی:

زندگی عمومی، تعامل با غریبه‌ها، احترام و اعتماد عمومی، فعالیت اختیاری

مقدمه

ما در «عصر شهری» زندگی می‌کنیم؛ در این عصر، شهرها با صفات مختلفی از قبیل هوشمند، مقاوم، پایدار، سبز، خلاق و اخلاقی نشانه‌گذاری شده‌اند. از اهداف اصلی طرح شدن این صفات شهری، انعطاف‌پذیری بیشتر برای حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد جامعه (به عنوان مثال افراد کم‌درآمد، افراد محروم و سالخورده، کودکان و زنان) است؛ تا بتوان برای همه ساکنان شهر، مراقبت و احترام اجتماعی ایجاد کرد. ایگناتیف (۲۰۱۴) استدلال می‌کند، در قرن ۲۱ ما به «کدهای اخلاقی مشترک» احتیاج داریم که میلیون‌ها نفر را از نژادها، ریشه‌ها و زمینه‌های مختلف اجتماعی برای زندگی مشترک روزمره توانا سازد؛ به همین دلیل اماکن عمومی و زندگی عمومی، بخش حیاتی هر جامعه، برای مراقبت جمعی از یکدیگرند و مفهوم «مکان سوم» برای تعریف عرصه و پناهمگاهی در مقابل خانه یا محل کار، توسط ری اولدنبرگ مطرح گردید؛ جایی که مردم می‌توانند به صورت منظم به آنجا سر بزنند و با دوستان، همسایه‌ها، همکاران و حتی غریبه‌ها ارتباط برقرار کنند. در واقع، پیاده‌رو و خیابان‌های شهری، مکانی برای طیف گسترده‌ای از شیوه‌های رفتاری شهروندان در برخورد با یکدیگر و به تعبیری، بستر شکل‌گیری و تقویت «زندگی عمومی» است.

با این اوصاف، در دنیای امروزی مردم به جای لذت بردن از زندگی اجتماعی در شهرهای پر زرق و برق که محل تجمع غریبه‌هاست، به آن به چشم مجموعه‌ای از وظایف خشک می‌نگرند. در بسیاری از شهرهای کشورهای توسعه‌نیافته، نه تنها اهمیت اماکن عمومی به عنوان بستر شکل‌گیری زندگی عمومی مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه وقوع موارد بی‌اخلاقی، تجاوز به حقوق شهروندی، ولنگاری‌های شهری و ... به امری

عادی تبدیل شده است. اخلاق شهری در بین غریبه‌های شهری، رو به افول بوده و در مواردی جزئی شاهد بروز رفتارهای پر تنشیم؛ در چنین وضعیتی، به نظر می‌رسد که احساس احترام و اعتماد عمومی در بین مصرف‌کنندگان فضاهای شهری (به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر)، کاهش می‌یابد. جاکوبز معتقد است، هنگامی که ناحیه‌ای از شهر فاقد «زندگی پیاده‌راه باشد»، اگر مردم محل، ارتباط مشابهی را با همسایگان خود مد نظر داشته باشند، ناچار به گسترش «زندگی خصوصی» خویشند. آنها ناچار به استقرار نوعی «هم‌بودگی اند» که در مقایسه با پیاده‌راه‌ها، چیزهای بیشتری را با یکدیگر شریک خواهند شد؛ در غیر این صورت «عدم ارتباط» ناگزیر خواهد بود (جاکوبز، ۱۳۹۶: ۶۵).

جمعیت شهر سنندج طی ۴۰ سال از ۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ به ۴۱۳ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش پیدا کرده و ۱۲ درصد مساحت شهر، ۵۰ درصد جمعیت شهر را در خود جای داده است. مشاهدات میدانی نشان می‌دهد که تراکم بالای جمعیت و فضای کم معابر در برخی پیاده‌راه‌های مرکزی شهر، تردد را با دشواری مواجه کرده است. در کنار نبود زیرساخت‌های اجتماعی مناسب در اکثر پیاده‌راه‌های شهر، بساط دستفروشان که در حاشیه خیابان‌ها حضور دارند، منجر به سختی در تردد شهروندان و ایجاد زحمت می‌شود. در برخی معابر، علاوه بر تعرض مغازه‌داران به پیاده‌راه، پارک خودرو در مسیر عابران انجام می‌شود. این موارد مصادیقی از عدم درک دیگران و ولنگاری شهری در پیاده‌راه‌های شهر سنندج است. به نظر می‌رسد جریان زندگی عمومی در پیاده‌راه‌های مرکزی شهر سنندج، متأثر از عوامل مختلف (نداشتن حس درک دیگران و نامناسب بودن شیوه‌های رفتاری شهروندان)، وضعیت مناسبی نداشته باشد.

در زمینه مسائل اجتماعی شهری به دفعات مطالعاتی انجام پذیرفته که بررسی‌ها نشان می‌دهد این مطالعات، بر مسائل اجتماعی آشکار متمرکز بوده و فضای شهری نیز به عنوان میدان گردآوری داده‌ها مورد توجه قرار گرفته است؛ در برخی مطالعات، به تطبیق وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان مناطق شهری پرداخته و رابطه بین این متغیرها با میزان وقوع مسائل اجتماعی تحلیل شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت

فضای شهری و برخی عوامل فردی مؤثر در مصرف آن، به عنوان یک واقعیت اجتماعی، تا حدودی مورد غفلت پژوهشگران مسائل اجتماعی است. در پژوهش حاضر قصد بر آن است که تعیین‌کنندگی ویژگی‌های فردی و همچنین پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد در عملکرد آنان در فضاهای عمومی (تعامل با غریبه‌های شهری) مورد تبیین قرار گیرد؛ بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که «تعیین‌کننده‌های اجتماعی تعامل با غریبه‌های شهری کدامند؟» این پژوهش با هدف مطالعه جنبه‌های از زندگی عمومی، ضمن توصیف وضعیت تعامل با غریبه‌ها، حضور افراد در خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های شهری و همچنین احساس احترام و اعتماد عمومی در افراد، تعیین‌کننده‌های اجتماعی روابط با غریبه‌ها در شهر سنندج را با شیوه پیمایشی مورد تحلیل قرار خواهد داد.

پیشینه تجربی

جورج زیمل نقش مهمی در توسعه تحقیقات گروه‌های کوچک، تعامل‌گرایی نمادین و نظریه مبادله ایفا کرد (کاپلو، ۱۹۶۸). آثار و دیدگاه‌های زیمل در این زمینه‌ها، نشان دهنده اعتقاد وی بر این نکته است که جامعه‌شناسان باید در درجه اول اشکال و انواع تعاملات اجتماعی را مطالعه کنند (نیسبت، ۱۹۵۹: ۴۸۰). یکی از زمینه‌های تحقیقاتی جورج زیمل، مستندسازی تأثیرات حیات جسمی، جغرافیایی و اجتماعی بر حیات ذهنی است و اینکه ذهن ما، چگونه محیط‌های اجتماعی و جسمی ما را شکل داده است. زیمل در جستجوی یافتن شواهد مادی و معنوی برای این موضوع، به تعاملات در زندگی روزمره شهری پرداخت. وی در مقاله‌اش با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی»، ضمن تحلیل روانی انسان‌ها در شهر مدرن و ویژگی از خود بیگانه‌کننده محیط شهری، به شناسایی آثار زندگی در شهر، بر نحوه تفکر انسانها پرداخت. جورج زیمل (۱۹۷۱) در این زمینه، وظیفه جامعه‌شناسی را توصیف و آن را یافتن قوانین "کنار هم بودن" افراد (جامعه) دانست.

پیشینه خارجی :

آلن لاتام و جک لایتون (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "زیرساخت‌های اجتماعی و

زندگی عمومی شهرها: مطالعه اجتماعی بودن شهری و فضاهای عمومی" که در سال ۲۰۱۹ منتشر شد، اعتقاد داشتند که کتابخانه‌ها، پیتزا فروشی‌ها، میدان‌ها، زمین‌های بازی، پیاده‌روها، استخرها و مدارس، فقط برخی از انواع فضاها و امکاناتی‌اند که به زندگی عمومی شهرها کمک می‌کنند. این مکان‌ها، امکان «ایجاد ارتباط با افراد دیگر» و حتی بخشی از یک جامعه را دارد. شهرها پر از «شبکه‌های اجتماعی پیچیده و غافلگیرکننده‌اند». شبکه‌هایی که به هم پیوستن مردم کمک می‌کنند و منابع مهمی را در مواقع استرس فراهم می‌کنند؛ بنابراین بعد اصلی یک شهر خوب را «شخصیت عمومی» آن می‌دانند. ایشان مفهوم «زیرساخت اجتماعی» را به عنوان راهی برای تحقیق و ارزیابی این نوع فضاها مطرح می‌کنند. زیرساخت‌های اجتماعی به شناخت ابعاد عمومی فضاهای غالباً مغفول و کم ارزش کمک می‌کنند و توجه به وسعت، عمق و «بافت‌های اجتماعی» را جلب می‌کند که می‌توانند از طریق محیط‌های مختلف شهری تهیه شوند. در توسعه مفهوم زیرساخت‌های اجتماعی، این پژوهش چهار رشته مرتبط با تحقیقات علمی اجتماعی را جمع می‌کند: کار در زیرساخت‌ها؛ تبلیغات و فضای عمومی؛ اجتماعی بودن و برخورد و سیاست تأمین. رویکرد زیرساختی به موضوع فضای عمومی، برخی از ابزارهای تولیدی را برای درک «زندگی عمومی شهرها» ارائه می‌دهد و مطرح می‌کند که زیرساخت‌های اجتماعی نه تنها برای پرورش زندگی عمومی، بلکه برای رسیدگی و جلوگیری از برخی از مهمترین نگرانی‌های زندگی معاصر شهری ضروری‌اند: مقابله با انزوای اجتماعی، اختلاف در مذاکره و ایجاد مکان برای همه - صرف نظر از سن، نژاد، جنسیت، جنسیت یا درآمد. در نهایت محققان نتیجه‌گیری می‌کنند که مطالعه فضاها به عنوان زیرساخت اجتماعی - فضاهایی که ارتباط اجتماعی را تسهیل می‌کنند - توجه را به سمت وسعت، عمق و بافت زندگی اجتماعی که می‌تواند در محیط شهری تسهیل شود، معطوف می‌کند (آلن لاتام و جک لایتون، ۲۰۱۹).

کیت همپتون و سیسیون لورن (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "تغییر در زندگی اجتماعی فضاهای عمومی شهری: ظهور تلفن‌های همراه و زنان در ۳۰ سال گذشته" که

در سال ۲۰۱۴ انتشار یافت، دریافتند که در طول ۳۰ سال گذشته، آمریکایی‌ها در استفاده از فضاهای عمومی از نظر اجتماعی کمتر منزوی شده‌اند. داده‌های پژوهش بر اساس تجزیه و تحلیل محتوای فیلم‌های چهار فضای عمومی در یک دوره ۳۰ ساله و با کدگذاری رفتار و خصوصیات ۱۴۳۵۹۳ نفر به دست آمده است. چشم‌گیرترین تغییرات در زندگی اجتماعی در فضاهای عمومی شهری، افزایش نسبت زنان و همبستگی افزایش تمایل زنان و مردان برای گذراندن وقت با هم در ملا عام را نشان می‌دهد. با وجود فراگیر بودن تلفن‌های همراه، میزان استفاده از آن در جمع نسبتاً کم است. کاربران تلفن همراه، کمتر در فضاهای گروهی ظاهر می‌شوند و اغلب در فضاهایی که مردم ممکن است تنها و در حال راه رفتن باشند ظاهر می‌شوند. این نشان می‌دهد که وقتی تلفن به عنوان ابزاری برای ارتباط در نظر گرفته می‌شود استفاده از آن با کاهش انزوای عمومی همراه است. محقق استدلال می‌کند که فضاهای عمومی ترکیبی مهمند و به مردم کمک می‌کنند تا اشتراکات خود را تشخیص دهند و اختلافات آنها را بپذیرند. در نهایت محقق نتیجه می‌گیرد که افزایش رفتارهای گروهی، حضور زنان و طولانی بودن در جمع، می‌تواند پیامدهای مثبتی برای تعامل در حوزه عمومی داشته باشد (کیت همپتون و سیسیون لورن، ۲۰۱۴).

پیشینه داخلی:

بهشته محمدی و محمود شارع پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر فضای پیاده‌روهای شهری بر حیات اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: پیاده‌روهای شهر آمل)» که در سال ۱۳۹۸ منتشر شد، به بررسی تأثیر فضای پیاده‌روهای شهری بر برطرف شدن نیازهای جوانان پرداختند. این پیمایش که ۳۰۰ نفر از جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر آمل را با استفاده از پرسشنامه مورد مطالعه قرار داده است، نشان می‌دهد که متغیرهای زمینه‌ای، جنس و میزان تحصیلات با ارتباطات اجتماعی در فضای پیاده‌رو رابطه معناداری دارد. سن نیز بر دو بعد ارتباطات اجتماعی و اوقات فراغت مؤثر است. همچنین وضعیت تأهل بر بعد اوقات فراغت در فضای پیاده‌رو تأثیر می‌گذارد به طوری که افراد مجرد از

این فضا برای فراغت خود بیشتر استفاده می‌کنند (محمدی و شارع پور، ۱۳۹۸).

عبدالحسین کلانتری و سید سعید حسینی زاده آرانی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان "شهر و روابط اجتماعی: بررسی ارتباط میان انزوای اجتماعی و سطح حمایت اجتماعی دریافتی با میزان تجربه احساس تنهایی (مورد مطالعه: شهروندان تهرانی)" که در سال ۱۳۹۴ منتشر شد، پدیده انزوای اجتماعی و کاهش حمایت اجتماعی را ناشی از سیالیت و تضعیف پیوندهای اجتماعی در جامعه مدرن می‌داند و بیان می‌کند که این پدیده شیوع و توسعه پدیده احساس تنهایی را به همراه دارد. همچنین نتایج نشان داده که میان میزان انزوای اجتماعی و سطح حمایت اجتماعی دریافتی و میزان تجربه احساس تنهایی، رابطه معنادار و منفی‌ای وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش میزان انزوای اجتماعی عینی، بر سطح تجربه احساس تنهایی ذهنی افزوده می‌گردد (کلانتری و حسینی زاده آرانی، ۱۳۹۴).

مرور مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که توسعه زیرساخت‌های اجتماعی بر زندگی عمومی تأثیرگذار بوده است. همچنین افزایش رفتارهای گروهی، حضور زنان و طولانی بودن در جمع، می‌تواند پیامدهای مثبتی برای تعامل در حوزه عمومی داشته باشد. با این حال هنوز متغییر جنسیت در کنار طبقه اجتماعی، نقش کلیدی در تخصیص فضاهای شهری را دارند. لازم به ذکر است، با توجه به معنادار بودن تأثیر منفی انزوای اجتماعی بر سطح حمایت اجتماعی و احساس تنهایی، قصد بر آن است که متغیرهای مانند جنسیت، تأهل، سن، تحصیلات، وضعیت مهاجرت و محله سکونت، در تبیین تعامل با غریبه‌های شهری مورد تحلیل قرار گیرند. از نکات قابل توجه در این باره تفاوت در متغیرهای زمینه‌ای و اقتصادی- اجتماعی مردم ساکن در محلات مختلف شهر سنندج است.

زندگی عمومی

فضای عمومی شهر، صحنه نمایش زندگی روزمره مردم و در تقابل با فضای

خصوصی است. عرصه‌ی عمومی مطابق با نظریات هابرماس با مفهوم دسترس‌پذیری بی‌قید و شرط برای همگان تعریف می‌شود. فضاها معمولاً برای فعالیت‌های خاصی اختصاص می‌یابند. مکان‌های محلی حامل معانی اجتماعی و نمادهایی‌اند که به طور گسترده پذیرفته شده و تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر روابط اجتماعی دارند؛ بنابراین، مکان‌های محلی ارتباط نزدیکی با کنش‌های مردم و دگرگونی اجتماعی دارد (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۶). آگورای یونان باستان شاید یکی از معروفترین فضاهای عمومی در کل تاریخ است که میدان عمومی شهر و محلی برای گردهمایی مردم بوده است. آگورا، مکانی بوده که در آن فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دوشادوش با سایر فعالیت‌ها صورت می‌گرفته و به عنوان ظرفی فراگیر برای زندگی اجتماعی شهر تلقی می‌شده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۳). به تدریج و همراه با رشد اندازه‌ی فضای شهری و تخصصی شدن آن، این یکپارچگی، جای خود را به تنش میان فضای عمومی و خصوصی در شهرهای قرون وسطایی داد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۲۹).

در یک اجتماع، روابط اجتماعی متأثر از ساختارهای اجتماعی‌اند. گیدنز^۱ برای اینکه چگونگی رابطه‌ی کنش‌های انسانی را با ساختارهای اجتماعی بیان کند، تلاش می‌کند مفهوم «مکان محلی»^۲ را وارد مفهوم‌سازی خود کند. شروع حرکت وی چیزی است که «دوگانگی ساختار»^۳ نامیده است؛ یعنی این فکر که ساختارهای اجتماعی هم واسطه و هم نتیجه‌ی کردار و اعمال انسانی است. عامل انسانی در این ساختار معجونی فرهنگی نیست که صرفاً حاوی شیوه‌ی تولید باشد بلکه انسان‌ها محیط اجتماعی و فضای خود را درک می‌کنند و فعالانه آن را برای ایجاد زندگی خویش و نظام‌های اجتماعی که خود جزئی از آنها‌اند، مورد استفاده قرار می‌دهند؛ به عبارت دیگر، نظر گیدنز را می‌توان چنین خلاصه کرد: جامعه فضا نیست و جامعه‌شناسی فضایی نداریم و اگر بخواهیم درک مطلوبی از روابط اجتماعی، فرایندها و نیز روابط آنها با مردم به عنوان موجودات انسانی

1. Giddens
2. local
3. Duality of structure

فعال و پویا، به دست آوریم، نمی‌توانیم فضا را به عنوان امری اضافی و انتخابی محسوب کنیم (دیکنز، ۱۳۷۷: ۱۰).

در قرن نوزدهم، موضوع غریبه‌ها در شهر همیشه امری قابل توجه بود. انگلس معتقد بود مردم در خیابان‌های لندن هیچ وجه مشترک و کاری به کار هم ندارند. آنها فقط به این توافق ضمنی پایبند بوده‌اند که "هرکس سر به زیر بدون خیره شدن به چشمان دیگران، راه خودش را برود به نحوی که در حرکت آنانی که در جهت مخالف او طی طریق می‌کنند، مزاحمتی ایجاد نکند" (انگلس، ۱۹۹۳: ۳۷؛ به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۸). با رشد فردگرایی پس از دوران روشنگری و خودمختاری‌های فردی افراطی، به طبیعت و جامعه صرفاً به عنوان ابزارهایی برای ارضای تمایلات و خواهش‌های بشر نگاه می‌شد. فردگرایی که در دوران روشنگری ظهور کرد در تقابل با اندام‌گرایی دوران باستان بود. فردیناند تونیس در اواخر قرن نوزدهم مفاهیمی با عنوان گمنشافت و گزلفشافت را مطرح کرد تا تنش بین فرد و جامعه را به تصویر کشد. فردگرایی از ابتدا منزلگاهی راحت در شهرها یافت و به صورت ازدحام، گمنامی مردم و جداسازی اجتماعی متجلی شد. گمنامی و جداسازی اجتماعی منجر به ترس و نگرانی درباره‌ی این شد که چگونه نظم اجتماعی را می‌توان حفظ کرد و چگونه یکپارچگی اجتماعی را افزایش داد. تقویت فضای عمومی وسیله‌ای برای رویارویی با این پراکندگی و نگرانی‌های اجتماعی است. تقویت حس با هم بودن از طریق ایجاد انواعی از فضاهای عمومی امکان‌پذیر است. فضای عمومی شهر به عنوان سرمایه‌ی اجتماعی‌ای، که می‌توان از آن در هماهنگی و پیوند ساکنان جامعه با یکدیگر به کار گرفت، تلقی شده است (مدنی‌پور، ۱۳۸۷: ۲۴۹).

جاکوبز معتقد است، هنگامی که ناحیه‌ای از شهر فاقد «زندگی پیاده‌راه باشد»، اگر مردم محل، ارتباط مشابهی را با همسایگان خود مد نظر داشته باشند ناچار به گسترش «زندگی خصوصی» خویشند. آنها ناچار به استقرار نوعی «هم‌بودگی» می‌شوند که در مقایسه با پیاده‌راه‌ها به ناچار چیزهای بیشتری را با یکدیگر شریک خواهند شد؛ در غیر این صورت «عدم ارتباط» ناگزیر خواهد بود (جاکوبز، ۱۳۹۶: ۶۵).

روابط با غریبه‌های شهری

فضاهای عمومی موفق، فرصت مشارکت در فعالیت‌های عمومی را افزایش و رشد زندگی عمومی را تقویت می‌کند و شهروندان می‌توانند همراه با «احساس رضایت متقابل» حضور یابند. با تکرار این تجربیات، فضاهای عمومی به حامل معانی مثبت جمعی تبدیل می‌شوند (کار، فرانسیس، ریولین و استون، ۱۹۹۳: ۳۴۴). اگر مفهوم شهر همبسته به معنای امحای تفاوت‌های اجتماعی فضای شهری نیست، زمینه‌ساز اختلاط اجتماعی است. سیاست داوطلبانه نزدیک‌سازی سنخ‌های اجتماعی متفاوت در مکانی واحد روابط اجتماعی هماهنگ میان آنان را تضمین نمی‌کند؛ اما برای محدود کردن خطر جداسازی فضایی، تسهیل پویای شهر و دستیابی به تجهیزات و خدمات مرکزی، چشم‌اندازی مطلوب است (پوگام، ۱۳۹۷: ۱۳۹). در حال حاضر یکی از بزرگترین فریادهای جامعه‌شناسان این است که تفسیر مردم از محیط اجتماعی و فیزیکی پیرامون خود باید در نظریه اجتماعی ملحوظ گردد. جامعه‌شناسی شهری، برای شناخت روابط و فرایندهای ساختاری گسترده‌ای که بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند تلاش زیادی به عمل آورده است (دیکنز، ۱۳۷۷: ۲۲۵).

از میان تمام مطالعات پس از جنگ درباره زندگی و اجتماعات آمریکای معاصر، مطالعه رابرت پاتنام با عنوان "بولینگ بازی تنهایی: فروپاشی و نوزایش هم‌زیستی آمریکایی (۲۰۰۰)" یک دستاورد مهم به حساب می‌آید. پاتنام موافق است که «سرمایه اجتماعی» به ارتباط میان افراد اشاره دارد (شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای اعتماد و تعاملات که حاصل این ارتباطات است). پاتنام موافق است که سرمایه اجتماعی با ایده «فضیلت مدنی» پیوند دارد؛ اما اضافه می‌کند که این فضیلت زمانی از همه قدرتمندتر است که در شبکه‌های متراکم روابط اجتماعی متقابل نهادینه شود. جامعه‌ای پر از افراد پرفضیلت اما جدا از هم، لزوماً از نظر سرمایه اجتماعی غنی نیست. وی بین آنچه «سرمایه اجتماعی برون‌گروهی» و «سرمایه اجتماعی درون‌گروهی» نامیده می‌شود، تمایز

قائل است. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بین اعضای شبکه‌های ضعیف یا دور وجود دارد و بر مبنای عام‌گرایی است؛ در حالی که شبکه‌های اجتماعی درون‌گروهی بر مبنای نوعی خاص‌گرایی است (پارکر، ۱۳۹۷: ۱۹۴-۱۹۵).

فعالیت‌های انتخابی در فضاهای شهری

در حوزه شهرسازی، از شناخته شده‌ترین کسانی که درباره کنش‌های روزمره شهروندان و اهمیت فعالیت‌های اجتماعی در فضاهای شهری پژوهش کرده، یان گیل است. او در مقدمه کتاب خود «زندگی در فضای میان ساختمان‌ها» تأکید می‌کند که «در همین موقعیت‌های روزمره است که شهرها و نواحی شهری باید درست عمل کنند و لذت و خوشی را فراهم آورند؛ که اگر چنین باشد، این خود، کیفیتی بسیار با ارزش است». گیل در یک تقسیم‌بندی فعالیت‌های هرروزه انسان‌ها در فضای شهری را به «فعالیت‌های ضروری»، «فعالیت‌های انتخابی» و «فعالیت‌های اجتماعی» تقسیم می‌کند.

۱- «فعالیت‌های ضروری آن‌هایی‌اند که حالتی کمابیش اجباری دارند- رفتن به مدرسه یا سرکار، خرید، منتظر اتوبوس یا کسی ماندن، توزیع نامه- به بیان دیگر فعالیت‌هایی که به درجات مختلف ناگزیر به شرکت جستن در آن‌هایم» (گیل، ۱۳۸۷: ۳). به باور گیل این فعالیت‌ها کمترین تأثیرپذیری را از محیط پیرامون دارند.

۲- «فعالیت‌های انتخابی زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آن‌ها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم آور زمینه‌ای مساعد باشند» (گیل، ۱۳۸۷: ۵). از میان این فعالیت‌ها می‌توان به پیاده‌روی، نشستن در پارک برای استفاده از هوای تازه یا لذت بردن از نور آفتاب اشاره کرد. این فعالیت‌ها تنها در صورت مطلوب بودن شرایط فیزیکی و جوی محیط بیرون رخ می‌دهند.

۳- «فعالیت‌های اجتماعی دربردارنده آن‌هایی است که بیش از هرچیز وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی است» (گیل، ۱۳۸۷: ۶). طیف این فعالیت‌های اجتماعی از ارتباطات منفعل مانند دید ساده یا گوش دادن به مردم تا انواع فعالیت‌های گروهی

متغیر است. شاید ارتباطات منفعل از نظر برخی کم اهمیت به نظر برسد؛ اما به نظریان گِل این کنش‌ها به عنوان شرط لازم برای سایر تعاملات پیچیده از اهمیت زیادی برخوردار است. «امکانات وابسته به اشکال کم شدت ارتباط که در فضاهای عمومی وجود دارند بهتر درک و توصیف خواهند شد، در صورتی که موقعیتی را تصور کنیم که این فعالیت‌ها وجود نداشته باشند» (گِل، ۱۳۸۷: ۱۱).

«اگر فعالیت در فضای بین ساختمان‌ها وجود نداشته باشد، قسمت پایین نمودار حذف خواهد شد؛ یعنی در واقع، اشکال انتقالی مابین دو حد تنهایی و با دیگران بودن ناپدید خواهند شد؛ مرز بین انزوا و ارتباط پر رنگ‌تر خواهد شد، مردم یا در تنهایی به سر می‌برند و یا با دیگران در سطح بالایی از ارتباط قرار دارند» (گِل، ۱۳۸۷: ۱۱). فقدان ارتباطات اجتماعی با شدت پایین در فضاهای شهری، نشان از «زوال زندگی شهری» و «روزمرگی» روز افزون دارد. یان گِل رشد فعالیت‌های انتخابی و در نتیجه فعالیت‌های اجتماعی را در بستگی مستقیم با کیفیت این فضاها و دعوت‌کنندگی آن‌ها می‌داند. از نظر او هنگامی که فضای بیرون دارای کیفیت خوبی نباشد، تنها فعالیت‌ها ضروری انجام می‌شود و مردم به سرعت به خانه‌هایشان باز می‌گردند. در چنین شرایطی مردم ماندن در فضای شهری را انتخاب نمی‌کنند. از ابعاد دیگری که از دیدگاه گِل، در رابطه میان فعالیت و فضای شهری اهمیت دارد، «تعداد وقایع» و «مدت زمان وقایع» در فضاهای شهری است. او در این باره از عبارت «چیزی روی می‌دهد زیرا چیزی روی می‌دهد» استفاده می‌کند. او پراکنندگی رویدادها و مردم را نقد می‌کند و می‌نویسد: «فعالیت‌های انفرادی، هرگز شانس برای رشد کردن، وسیع‌تر شدن و با معناتر شدن را پیدا نمی‌کنند و بنابراین الهام‌بخش وقایع دیگر نخواهند بود» (گِل، ۱۳۸۷: ۶۸).

تکامل تاریخی از فعالیت‌های الزامی به اختیاری (در فضاهای همگانی) که در کل محصول تغییرات جامعه است بر چگونگی استفاده از فضاهای عمومی تأثیر گذاشته است. زمانی که دیگر برای مردم وقت‌گذرانی در فضای همگانی ضرورتی ندارد، اقدامات بیشتری برای آوردن آنها از فضای داخلی به فضای بیرونی (همگانی) لازم است. ایجاد

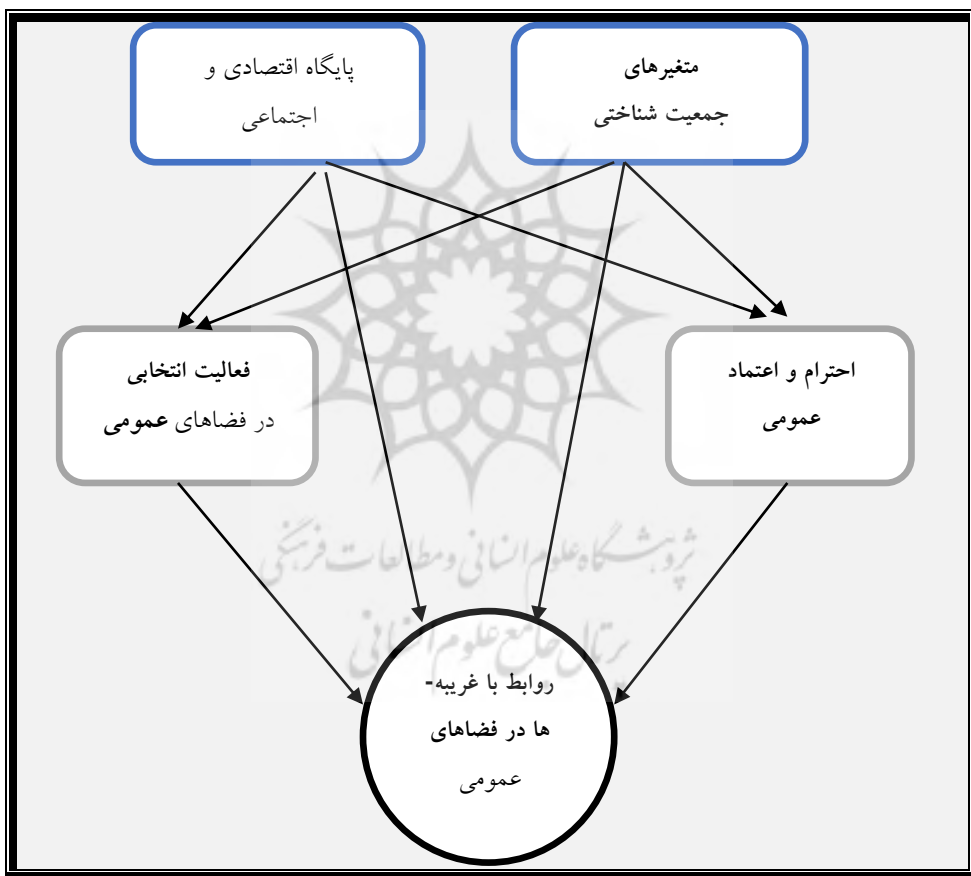
فضاهای همگانی با کیفیت، برای ترغیب مردم به ماندن در فضا، نتیجه خواهد داد. در واقع فعالیت‌های الزامی کیفیت‌های محیطی فضاهای همگانی را نادیده می‌انگارد؛ اما در مقابل، فعالیت‌های اختیاری، نیازمند کیفیت‌های محیطی خوب فضاهای همگانی است (گل، ۱۳۹۶: ۱۴۶-۱۴۷).

احساس احترام و اعتماد عمومی در بین غریبه‌ها

احترام یک عملکرد معنادار است؛ یعنی برخورد احترام‌آمیز با دیگران حتی با بهترین نیت‌ها به سادگی اتفاق نمی‌افتد. انتقال احترام یعنی پیدا کردن کلمات و رفتارهایی که باعث شود این عمل متقاعدکننده باشد و احساس شود (سنت، ۱۳۹۸: ۲۵۳). برخورد احترام‌آمیز با مردم نمی‌تواند صرفاً با فرمان به انجام آن اتفاق افتد. تأیید متقابل باید مورد بحث قرار گیرد؛ چنین بحثی پیچیدگی‌های منش فردی و همچنین ساختار اجتماعی را در برمی‌گیرد. در بررسی نابرابری‌هایی که سه قاعدهٔ مدرن احترام را لکه‌دار می‌کنند، راه حل اجتماعی مسلم‌تر به نظر می‌رسد: به جایی برس، مواظب خودت باش، به دیگران کمک کن (سنت، ۱۳۹۸: ۳۱۵). به باور جاکوبز اگر چه بسیاری از «ارتباطات عادی روزمره» در سطح خیابان کم مایه‌اند؛ اما حاصل جمع آن‌ها به هیچ روی کم مایه نیست. حاصل چنین ارتباطات عمومی پیش پا افتاده‌ای در یک سطح محلی، شبکه‌ای از احترام و اعتماد عمومی و منبعی برای مواقع نیاز شخصی یا محله‌ای می‌شود.

بی‌گمان جامعه، انگاره‌ای مسلط دارد: اینکه ما با رفتار برابر با یکدیگر، بر احترام متقابل صحنه می‌گذاریم؛ اما آیا می‌توانیم تنها به کسانی احترام بگذاریم که قدرتی برابر با ما دارند؟ برخی از نابرابری‌ها، خودخواسته‌اند ولی بقیهٔ آنها از قبیل تفاوت در استعدادها را نمی‌توان دلخواهی تلقی و از سر باز کرد. مردم در جوامع مدرن معمولاً در انتقال قدردانی و احترام متقابل، پشت این مرزها می‌مانند. الزام برابر بودن برای جلب احترام را می‌توان در توصیه‌های نظام رفاه اجتماعی به مددگیران به خوبی مشاهده کرد. وضعیت به گونه‌ای است که گویا تقاضای آنها برای محترم شمرده شدن باید که نیازمند نباشند، باید که ضعیف نباشند. وقتی اصرار می‌شود که مددجویان باید احترام به نفس کسب

کنند، اغلب به این معناست که باید به لحاظ مادی به خود متکی باشند؛ اما احترام به نفس در جامعه تنها به جایگاه اقتصادی شخص وابسته نیست بلکه به اینکه شخص چه کاری می‌کند و اینکه چگونه به آن دست می‌یابد، نیز بستگی دارد (سنت، ۱۳۹۸: ۱۴). بی‌احترامی، گرچه ممکن است از یک اهانت مستقیم، خشونت کمتری داشته باشد؛ اما می‌تواند به همان اندازه آزاردهنده باشد. هیچ اهانتی به شخص انجام نشده، ولی او به رسمیت شناخته نشده است؛ به او به عنوان انسانی که وجودش اهمیت دارد، نگاه نشده است (سنت، ۱۳۹۸: ۱۵).



روش تحقیق

داده‌هایی که این مقاله بر اساس آنها تنظیم شده است، به روش پیمایشی و با استفاده

از پرسشنامه (به صورت مصاحبه حضوری) گردآوری شده‌اند. واحد مطالعه فرد و واحد تحلیل هنگامی که محلات شهر سنندج مقایسه می‌شود واحد اجتماعی (محله) و هنگامی که روابط متغیرها بررسی می‌شوند فرد است.

جمعیت و نمونه

شهروندان ۱۵ سال به بالای شهر سنندج، جمعیت آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهند که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران ۴۱۲۷۶۷ نفرند (سرشماری عمومی، ۱۳۹۵). حجم نمونه نیز بر اساس فرمول کوکران ۳۵۰ نفر است، که ۳۶۰ نفر انتخاب در نظر گرفته شدند. با توجه به شاخص‌های تاریخی-فرهنگی و قرارگیری در مرکز شهر، نوسازی و بافت محله، محلات شهر سنندج در سه گروه یا خوشه تقسیم‌بندی می‌شوند که با توجه به مشاهدات میدانی محقق از هر خوشه دو محله انتخاب و با در نظر گرفتن ترکیب سن و جنس ساکنان، متناسب با حجم نمونه مقتضی از آن محله به شکل تصادفی سیستماتیک از واحدهای مسکونی، پاسخ‌گویان انتخاب خواهند شد.

تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم

فعالیت انتخابی کاربران در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهری

گل در یک تقسیم‌بندی فعالیت‌های هرروزه انسان‌ها در فضای شهری را به «فعالیت‌های ضروری»، «فعالیت‌های انتخابی» و «فعالیت‌های اجتماعی» تقسیم می‌کند:

۱- «فعالیت‌های ضروری آن‌هایی‌اند که حالتی کمابیش اجباری دارند- رفتن به مدرسه یا سرکار، خرید، منتظر اتوبوس یا کسی ماندن، توزیع نامه- به بیان دیگر فعالیت‌هایی که به درجات مختلف ناگزیر به شرکت جستن در آن‌هاییم» (گل، ۱۳۸۷: ۳).
به باور گل این فعالیت‌ها، کمترین تأثیرپذیری را از محیط پیرامون دارند.

۲- «فعالیت‌های انتخابی زمانی صورت می‌پذیرند که تمایل به انجام آن‌ها وجود داشته باشد و زمان و مکان نیز فراهم‌آور زمینه‌ای مساعد باشند» (گل، ۱۳۸۷: ۵). از میان

این فعالیت‌ها می‌توان به پیاده‌روی، نشستن در پارک برای استفاده از هوای تازه یا لذت بردن از نور آفتاب اشاره کرد. این فعالیت‌ها تنها در صورت مطلوب بودن شرایط فیزیکی و جوی محیط بیرون رخ می‌دهند.

۳- «فعالیت‌های اجتماعی دربردارنده آن‌هایی است که بیش از هرچیز وابسته به حضور دیگران در فضای عمومی است» (گل، ۱۳۸۷: ۶). طیف این فعالیت‌های اجتماعی از ارتباطات منفعل مانند دید ساده یا گوش دادن به مردم تا انواع فعالیت‌های گروهی متغیر است. شاید ارتباطات منفعل از نظر برخی کم اهمیت به نظر برسد؛ اما به نظریان گِل این کنش‌ها به عنوان شرط لازم برای سایر تعاملات پیچیده از اهمیت زیادی برخوردار است. «امکانات وابسته به اشکال کم شدت ارتباط که در فضاهای عمومی وجود دارند بهتر درک و توصیف خواهند شد، در صورتی که موقعیتی را تصور کنیم که این فعالیت‌ها وجود نداشته باشند» (گل، ۱۳۸۷: ۱۱)؛ بنابراین برای سنجش نوع فعالیت‌های شهروندان در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهر از سوالات زیر استفاده گردید.

۴- شما، برای هر کدام از موارد زیر، هر چند وقت یک بار در خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های مرکزی شهر (به صورت پیاده) حضور پیدا می‌کنید؟

- ۱- رفتن به محل کار یا تحصیل، ۲- خرید کردن از مغازه‌ها و دستفروشان، ۳- نشستن و انتظار برای سوار شدن به اتوبوس یا تاکسی، ۴- پیاده‌روی و پرسه‌زنی، ۵- نشستن و تماشا کردن مناظر و ...، ۶- تفریح، بازی و ورزش، ۷- دیدار و ملاقات با دوستان و آشنایان.
- با توجه به تعریف فعالیت انتخابی، پیاده‌روی و پرسه‌زنی و همچنین نشستن برای تماشا کردن مناظر جزء فعالیت‌های انتخابی افراد در فضاهای شهری‌اند.

احساس احترام و اعتماد عمومی

به باور جاکوبز اگرچه بسیاری از این ارتباطات عادی روزمره در سطح خیابان کم مایه‌اند؛ اما حاصل جمع آن‌ها به هیچ روی کم‌مایه نیست. حاصل چنین ارتباطات عمومی پیش پا افتاده‌ای در یک سطح محلی، شبکه‌ای از احترام و اعتماد عمومی و منبعی برای مواقع نیاز شخصی یا محله‌ای می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش میزان احساس احترام و

اعتماد عمومی در گروه‌ها مختلف اجتماعی هنگامی که قصد حضور در پیاده‌راه‌ها و میدان‌های مرکزی را داشته باشند ممکن است متفاوت باشد و این تفاوت بر اساس شرایط اجتماعی متفاوت قابل تبیین خواهد بود.

برای سنجش درک شهروندان از رفتار سایر شهروندان با آنان، از سؤالات زیر استفاده خواهیم کرد.

≠ وضعیت رفتار مردم حاضر در پیاده‌راه‌های مرکزی شهر سندج را نسبت به خود چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱- مردم حاضر در پیاده‌راه، رفتار احترام آمیزی نسبت به من دارند.

۲- در صورت بروز مشکلی برای من، مردم حاضر در پیاده‌راه، به من کمک خواهند کرد)

تعاملات اجتماعی کاربران با غریبه‌ها

بنا به نظریات جین جاکوبز، خیابان مکانی برای طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی است. رفتارهای اجتماعی گاهی منعکس‌کننده تنش‌ها و درگیری‌های موجود در بین گروه‌های کاربر و گاه منعکس‌کننده رفتارهای دوستانه اجتماعی است؛ با این حال حتی در محدوده رفتار مسالمت‌آمیز، دامنه رفتارهای اجتماعی در فضای عمومی از جمله خیابان‌های مختلف، مبهم و همیشه در حال تغییر است.

برای سنجش میزان تعامل شهروندان با افراد غریبه در پیاده‌راه‌ها و خیابانهای شهر از سؤالات زیر استفاده خواهیم کرد.

≠ در مسیر پیاده‌راه‌ها، در صورت قرار گرفتن در هرکدام از موقعیت‌ها (الف- حین عبور، ب- حین ایستادن و ج- حین نشستن)، در مواجهه با افرادی که نمی‌شناسید چگونه با آنها تعامل دارید؟

۱- فاصله گرفتن، ۲- توجه نکردن، ۳- داشتن نگاهی کوتاه، ۴- شروع صحبت و

گپ و گفت با آنان

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از سؤالاتی از افراد، ویژگی‌های فردی و همچنین پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان مورد پرسش قرار گرفت. از جمله جنسیت، سن، وضعیت زناشویی، وضعیت اشتغال، مالکیت مسکن، وضعیت مهاجرت و محل سکونت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

خصوصیات دموگرافیک: نمونه مورد مطالعه در این تحقیق شامل ۳۵۶ نفر بود که از این تعداد ۵۰.۶ درصد مرد و ۴۹.۴ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی ۳۸.۵ درصد جمعیت بین ۱۵-۲۴ سال، ۲۴.۶ درصد ۲۵-۳۴ سال، ۱۲.۳ درصد ۳۵-۴۴ سال، ۱۲.۳ درصد ۴۵-۵۴ سال و ۱۲.۳ درصد بین ۵۵ تا ۷۰ سال قرار داشتند. از نظر میزان تحصیلات ۵ درصد بدون سواد خواندن و نوشتن، ۱۴.۴ درصد تحصیلات ابتدایی و راهنمایی، ۳۵.۶ درصد تحصیلات دبیرستان و مدرک دیپلم، ۴۳.۹ درصد جمعیت نیز تحصیلات دانشگاهی داشتند. از نظر مدت سکونت در محله نیز ۱۰ درصد جمعیت ۱ سال و کمتر، ۲۳ درصد جمعیت بین ۲ تا ۵ سال، ۲۲ درصد جمعیت بین ۶ تا ۱۰ سال، ۲۲ درصد بین ۱۱ تا ۲۰ سال و ۲۳ درصد جمعیت بیشتر از ۲۰ سال سابقه سکونت در محله فعلی خود را داشتند.

فعالیت انتخابی کاربران در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهری

همان‌طور که یافته‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، حدود ۴۶ درصد شهروندان سنندجی، برای نشستن و تماشایی اطراف هفته‌ای یک یا دو بار، در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهر حضور پیدا می‌کنند. همچنین حدود ۶۴ درصد شهروندان هفته‌ای یک یا دو بار قدم زدن را در خیابان‌ها و پیاده‌راه‌های سنندج تجربه می‌کنند. با این اوصاف تنها ۷/۳ درصد شهروندان، به صورت روزانه، در فضاهای باز شهری اقدام به نشستن می‌کنند و همچنین تنها ۲۷ درصد شهروندان به صورت روزانه قدم زدن در فضاهای باز شهری را

تجربه می‌کنند.

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی نسبی و مطلق شاخص فعالیت اختیاری شهروندان در

فضاهای باز شهر سنندج

مفهوم	سنجه	فراوانی	اصلاً	سالانه	ماهانه	هفتگی	روزانه	میانگین	انحراف معیار
فعالیت انتخابی در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهری	نشستن و تماشا کردن	فراوانی نسبی	۲/۲	۳/۴	۴۱	۴۶/۱	۷/۳	۲/۵۳	۰/۷۷۴
		فراوانی مطلق	۸	۱۲	۱۴۶	۱۶۴	۲۶		
پیاده‌روی و قدم زدن	پیاده‌روی و قدم زدن	فراوانی نسبی	۱/۷	۰/۶	۶/۷	۶۴	۲۷	۳/۱۴	۰/۷۰۲
		فراوانی مطلق	۶	۲	۲۴	۲۲۸	۹۶		

ارزیابی فضائل عادی در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهری (احساس احترام و اعتماد عمومی)

بر اساس نتایج پژوهش (جدول شماره ۲) احساس احترام عمومی، در هنگام حضور در فضاهای باز شهری، در ۳۸/۸ درصد شهروندان در حد متوسط و در ۳۸/۲ درصد در حد کم و خیلی است. همچنین میزان اعتماد عمومی به غریبه‌های شهری، در ۳۷/۱ درصد شهروندان در حد متوسط و در ۳۵/۹ درصد در حد کم و خیلی کم است؛ این در حالی است که میزان اعتماد عمومی در فضاهای باز شهری در حدود ۲۶/۹ درصد شهروندان سنندجی زیاد و خیلی زیاد است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی نسبی و مطلق شاخص فضائل عادی در فضاهای باز

شهر سنندج از نگرش شهروندان

مفهوم	سنجه	فراوانی	خیلی کم	کم	تاحدی	زیاد	خیلی زیاد	میانگین	انحراف معیار
-------	------	---------	---------	----	-------	------	-----------	---------	--------------

معیار		زیاد			کم			
۱/۱۲۶	۱/۹۲	۵/۱	۱۸	۳۸/۸	۲۵/۳	۱۲/۹	فراوانی نسبی	احترام عمومی
		۱۸	۶۴	۱۳۸	۹۰	۴۶	فراوانی مطلق	
۱/۰۵	۱/۷۷	۱۱/۲	۱۵/۷	۳۷/۱	۲۵/۸	۱۰/۱	فراوانی نسبی	اعتماد عمومی
		۴۰	۵۶	۱۳۲	۹۲	۳۶	فراوانی مطلق	

متغیر وابسته :

تعاملات اجتماعی کاربران با غریبه‌ها

همان‌طور که یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد تعامل با غریبه‌های شهری در ۸۴/۳ درصد شهروندان در حد زیاد و خیلی زیاد است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی نسبی و مطلق شاخص تعامل شهروندان با غریبه‌ها در

فضاهای باز شهر سنندج

انحراف معیار	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	تاحدی	کم	خیلی کم	فراوانی	مفهوم
۰/۹۰۸	۳/۱۵	۳۸/۲	۴۶/۱	۱۱/۲	۱/۱	۳/۴	فراوانی نسبی	شاخص تعامل با غریبه‌های شهری
		۱۳۶	۱۶۴	۴۰	۴	۱۲	فراوانی مطلق	

یافته‌های تبیینی

روابط همبستگی بین فعالیت‌های اختیاری شهروندان و احساس فضائل عادی با تعامل با غریبه‌ها

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که برای رابطه دو متغیر فعالیت اختیاری و تعامل با غریبه‌ها، ضریب پیرسون ۰/۱۴۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۶ است؛ یعنی همبستگی معنادار و مثبت بین این دو متغیر وجود دارد و با افزایش فعالیت اختیاری در فضاهای باز

شهری، امکان ایجاد تعامل با غریبه‌ها افزایش می‌یابد. همچنین بین احساس فضائل عادی (احساس احترام و اعتماد عمومی) با برقراری تعامل با غریبه‌ها با ضریب پیرسون ۰/۳۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ همبستگی معنادار و مثبتی وجود دارد.

جدول شماره ۴: میزان همبستگی متغیرهای فعالیت اختیاری و احساس فضائل عادی با

تعامل با غریبه‌ها در شهروندان

شاخصها	فعالیت اختیاری	فضائل عادی
تعامل با غریبه‌ها	۰/۱۴۷	۰/۳۴۰
	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰
	۳۵۶	۳۵۶

رگرسیون چند متغیری

مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین تعامل با غریبه‌های شهری:

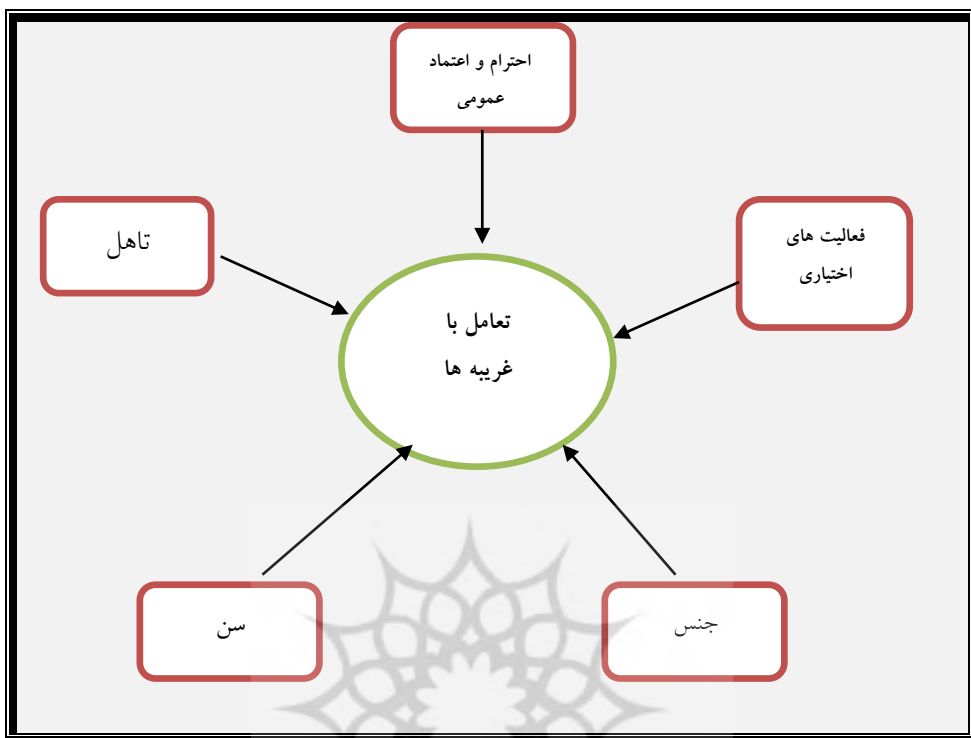
جدول شماره ۵ نشان‌دهنده رگرسیون تعامل با غریبه‌ها براساس متغیرها در میان کل شهروندان مورد مطالعه است. یافته‌های جدول حاکی از آن است که مجموع متغیرها توانسته‌اند ۰/۱۷۲ از واریانس تعامل با غریبه‌ها را در شهروندان مورد مطالعه تبیین کنند. همچنین یافته‌های جدول نشان می‌دهد که در مدل‌های شماره یک تا پنج، متغیرهای مستقل به روش گام به گام وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و با توجه به معناداری و افزایش مقدار واریانس تبیین شده، براساس بیشترین مقدار تبیینی که توسط آنها صورت می‌گیرد، به صورت زیر است. متغیر احساس فضائل عادی به تنهایی بیشترین مقدار واریانس را تبیین می‌کند که برابر ۰/۱۱۱ است؛ به عبارت دیگر افزایش احساس احترام و اعتماد عمومی بر تداوم و ایجاد تعامل با غریبه‌ها تأثیر دارد. در مدل شماره ۲ علاوه بر متغیر فضائل عادی، متغیر فعالیت اختیاری در فضاها (خیابان و پیاده‌راه) وارد شده است که حضور آن در معادله معنادار بوده و توانسته است به تنهایی ۰/۰۱۹ مقدار واریانس تبیین شده را افزایش دهد و به مقدار ۰/۱۳۰ برساند به عبارت دیگر هرچه انجام فعالیت اختیاری شهروندان افزایش یابد میزان شکل‌گیری تعامل با

غریبه‌های شهری نیز افزایش می‌یابد. در مدل شماره ۳ علاوه بر متغیرهای فضائل عادی و فعالیت اختیاری، متغیر وضعیت تأهل پاسخگویان وارد شده است که حضور آن در معادله معنادار بوده و توانسته است به تنهای ۰/۰۱۵ مقدار واریانس تبیین شده را افزایش دهد و به مقدار ۰/۱۴۵ برساند. در مدل شماره ۴ علاوه بر متغیرهای فضائل عادی، فعالیت اختیاری و وضعیت تأهل، متغیر سن پاسخگویان وارد شده است که حضور آن در معادله معنادار بوده و توانسته است به تنهایی ۰/۰۱۷ مقدار واریانس تبیین شده را افزایش دهد و به مقدار ۰/۱۶۲ برساند. در مدل شماره ۵ علاوه بر متغیرهای فضائل عادی، فعالیت اختیاری، وضعیت تأهل و سن متغیر جنسیت پاسخگویان وارد شده است که حضور آن در معادله معنادار بوده و توانسته است به تنهای ۰/۱۰ مقدار واریانس تبیین شده را افزایش دهد و به مقدار ۰/۱۷۲ برساند.

جدول ۷: ضرایب استاندارد رگرسیونی تعامل با غریبه‌ها روی متغیرهای مستقل $N=۳۵۶$

متغیرهای مستقل	فضیلت عادی	فعالیت اختیاری	تاهل	سن	جنس	ضریب تعیین شده	ضریب تعدیل شده
مدل ۱	۰/۳۳۳					۰/۱۱۱	۰/۱۰۹
مدل ۲	۰/۳۳۳	۰/۱۳۸				۰/۱۳۰	۰/۱۲۵
مدل ۳	۰/۳۶۶	۰/۱۳۳	۰/۱۲۵			۰/۱۴۵	۰/۱۳۷
مدل ۴	۰/۳۲۳	۰/۱۱۴	۰/۲۵۹	۰/۱۹۹		۰/۱۶۲	۰/۱۵۲
مدل ۵	۰/۳۲۹	۰/۱۲۱	۰/۲۹۰	۰/۲۰۱	۰/۱۰۵	۰/۱۷۲	۰/۱۶۰

شکل ۱: میزان تأثیرات همزمان متغیرهای مستقل بر پیوندهای محله‌ای شهروندان

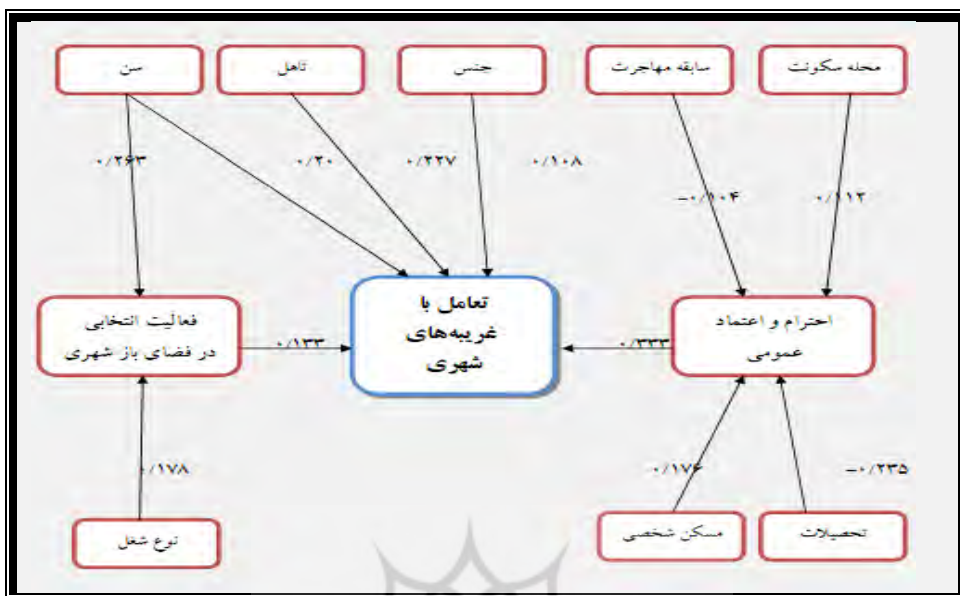


تحلیل مسیر:

تحلیل مسیر بسط مدل‌های رگرسیونی است و در مقام مقایسه، از مدل‌های رگرسیونی به مفهوم علیت نزدیک‌تر است در حالی که در مدل‌های رگرسیونی، کلیه متغیرهای مستقل هم‌زمان و هم‌عرض در نظر گرفته می‌شوند. مدل‌های مسیر در واقع یک نوع توالی یا تقدم و تأخر بین متغیرها قائل‌اند در حالی که مدل‌های رگرسیونی به نوعی در برابر آفت‌های مثل هم‌خطی آسیب پذیرند. مدل‌های مسیر آسیب‌پذیری کمتری دارند و به دنیای اجتماعی نزدیک‌ترند.

در مدل‌های مسیر، مدلی انتخاب می‌شود که داده‌ها با تئوری انطباق بیشتری داشته باشند؛ پس مدل باید هم به لحاظ آماری و هم به لحاظ مبانی نظری معقول انتخاب شود.

شکل ۲: تحلیل مسیر تعامل با غریبه‌های شهری



با توجه به نتایج تحلیل مسیر، می‌توان گفت که مدل فوق تأیید شده است. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که برخی ویژگی‌های افراد (سن، جنس، تأهل، تحصیلات)، برخی سنجه‌های پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد (نوع شغل، نوع مسکن، محل سکونت، سابقه مهاجرت) با تأثیرگذاری بر احساس احترام و اعتماد عمومی و همچنین فعالیت اختیاری در فضاهای باز شهری بر وضعیت تعامل با غریبه‌های شهری تأثیر معناداری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که اشاره شد، پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص تبیین الگوهای رفتاری افراد در فضاهای شهری، مبتنی بر تعیین عوامل کالبدی و توجه به زیرساخت‌های اجتماعی است، بنابراین، در پژوهش حاضر و در چارچوب رویکرد جورج زیمل در نگاه به زندگی شهرنشین، تبیین تعیین‌کننده‌های اجتماعی تعامل افراد با غریبه‌های شهری، مد نظر قرار گرفت. یافته‌های توصیفی، بیانگر سطح بالای تعامل افراد با غریبه‌ها شهری در سندج است. برای سنجش عوامل اجتماعی مؤثر بر تعامل با غریبه‌ها از پارامترهای همچون فعالیت انتخابی در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های شهری، احساس احترام و اعتماد

عمومی و متغیرهای زمینه‌ای استفاده شده است.

بین متغیر فعالیت انتخابی در فضاهای شهری و تعامل با غریبه‌ها رابطه معناداری وجود دارد. این نتایج با نظریات یان گل همسوست. بر اساس نظریات گل، تکامل تاریخی از فعالیت‌های الزامی به اختیاری (در فضاهای همگانی)، که در کل محصول تغییرات جامعه است، بر روی چگونگی استفاده از فضاهای عمومی تأثیر گذاشته است. زمانی که برای مردم دیگر وقت‌گذرانی در فضای همگانی ضرورتی ندارد، اقدامات بیشتری برای آوردن آنها از فضای داخلی به فضای بیرونی (همگانی) لازم است. ایجاد فضاهای همگانی با کیفیت برای ترغیب مردم به ماندن در فضا، نتیجه خواهد داد. به باور جاکوبز نیز اگرچه بسیاری از «ارتباطات عادی روزمره» در سطح خیابان کم مایه‌اند؛ اما حاصل جمع آنها به هیچ روی کم مایه نیست.

همچنین یافته‌ها حاکی از آن است که بین متغیر تعامل افراد با غریبه‌های شهری و احساس احترام و اعتماد عمومی آنان در فضاهای باز شهری رابطه معناداری وجود دارد؛ به این معنا که با افزایش احساس احترام و اعتماد عمومی، میزان تعامل با غریبه‌های شهری افزایش می‌یابد. این یافته‌ها با نظر اندروسن، در مورد شیوه رفتاری غالب (انزوا)، در برخوردهای بین غریبه‌های شهری در شرایطی که احترام و اعتماد عمومی افول یابد همخوانی دارد. گفتنی است که بر اساس دیدگاه جین جاکوبز، اگر مردم ناحیه‌ای از شهر که فاقد زندگی پیاده‌راه است، ارتباط مشابهی را با همسایگان خود مد نظر داشته باشند، ناچار به گسترش «زندگی خصوصی» خویشند. در انتها تذکر این نکته ضروری است که بر اساس نظریات سنت، برخورد احترام‌آمیز با مردم، نمی‌تواند صرفاً با فرمان به انجام آن اتفاق افتد.

تحلیل نتایج نشان می‌دهد که برخی ویژگی‌های افراد (سن، جنس، تأهل، تحصیلات)، برخی سنجه‌های پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد (نوع شغل، نوع مسکن، محله سکونت، سابقه مهاجرت) با تأثیرگذاری بر احساس احترام و اعتماد عمومی و همچنین فعالیت انتخابی در فضاهای باز شهری بر وضعیت تعامل با غریبه‌های شهری

تأثیر معناداری دارند. بخشی از این یافته‌های، با نتایج پژوهش لادن رهبری و محمود شارع پور، درباره‌ی تفاوت‌های جنسیتی و بهره‌مندی از حق شهر، همخوانی دارد. در پایان می‌توان تبیین‌کنندگی برخی عوامل اجتماعی (محلّه سکونت، سابقه مهاجرت، نوع مسکن)، در تعامل افراد با غریبه‌های شهری را تا حدودی بر اساس، نظریه فضا‌های خاکستری مرتبط دانست. از آنجا که بسیاری از محلات شهر سنندج، حاشیه‌ای محسوب می‌شوند و تا حدودی دور از نگاه مقامات دولتی و طرح‌های شهری قرار دارند، باید گفت که این محلات و ساکنان آن، بی‌سر و صدا تحمل می‌شوند؛ اما همواره در معرض گفتمان‌های تحقیرآمیز قرار گرفته‌اند. این قضاوت‌های منفی، می‌تواند، ضمن کاهش احساس احترام و اعتماد عمومی در افراد، زمینه‌ساز فرایند جداسازی طبقاتی و اجتماعی در شهر سنندج گردد.

در عصری که اهمیت احترام متقابل در رفتار با یکدیگر، انگاره‌ای مسلط در جامعه است؛ با پارادوکسی مواجهیم و آن اینکه، برخی از نابرابری‌های ناخواسته (متغیرهای اجتماعی در افراد) تهدیدی برای دستیابی به احترام برابرنند. در این شرایط، به تعبیر ریچارد سنت، بی‌احترامی، اگرچه ممکن است از یک اهانت مستقیم، خشونت کمتری داشته باشد؛ اما می‌تواند به همان اندازه آزاردهنده باشد. هیچ اهانتی به شخص انجام نشده، ولی او به رسمیت شناخته نشده است و به او به عنوان انسانی که وجودش اهمیت دارد، نگاه نشده است.

از سوی دیگر، برابر نظریات پاتنام در تبیین «سرمایه اجتماعی»، جامعه پر از افراد پرفضیلت اما جدا از هم، لزوماً از نظر سرمایه اجتماعی غنی نیست؛ پس سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و بر مبنای عام‌گرایی برای هم‌زیستی در جامعه ضروری است و این فضا‌های عمومی موفقند، که فرصت مشارکت در فعالیت‌های عمومی را افزایش و رشد زندگی عمومی را تقویت می‌کنند. در چنین شرایطی بر خلاف آنچه در شهر سنندج شاهد آنیم، دیگر گروه‌های مختلف اجتماعی از لحاظ سرزندگی در فضا‌های شهری (انجام فعالیت‌های انتخابی) با یکدیگر تفاوت‌های معناداری را نخواهند داشت.

پارکر، سیمون. (۱۳۹۷). "نظریه شهری و تجربه شهری" ترجمه حمیدرضا تلخابی و فرخ مهرآیین، تهران: انتشارات نیسا.

جاکوبز، جین. (۱۳۹۶). "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دیکنز، پیتر. (۱۳۷۷). "جامعه‌شناسی شهری"، ترجمه حسین بهروان، مشهد: نشر قدس رضوی. کلاتری، عبدالحسین؛ تسلیمی طهرانی، رضا. (۱۳۹۲). "تمایزات جامعه‌شناختی و جغرافیایی سبک زندگی در شهر تهران" فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۰، شماره ۲، ص ۱۸۷-۲۰۸.

گل، یان و برجیت سوار. (۱۳۹۶). "چگونه زندگی همگانی را مطالعه کنیم" ترجمه مصطفی بهزاد پور، محمدرضا ندوشن و احمد رضایی، تهران: مؤسسه علم معمار رویال.

محمدی، بهشته؛ شارع پور، محمود. (۱۳۹۸). "تأثیر فضای پیاده‌روهای شهری بر حیات اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: پیاده‌روهای شهر آمل)" فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱۷۵-۱۹۷.

مدنی پور علی. (۱۳۸۷). "فضاهای عمومی و خصوصی شهر"، ترجمه دکتر فرشاد نوریان، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.

Aldrich, D. P., Meyer, M. A. (2015). Social capital and community resilience. *American Behavioral Scientist*, 59, 254-26.

De Vaus, D. (2014). *Surveys in social research* (Sixth ed.). Sydney: Allen & Unwin.

Hampton K N, Session G L. Change in the social life of urban public spaces: The rise of mobile phones and women, and the decline of aloneness over 30 years", *Urban Studies*. 2015; 52(8) 489-504.

Hickman P. Third places and social interaction in deprived neighborhoods in Great Britain, *Journal of Housing and the Built Environment*, 2013, Vol. 28, No. 2, pp.221-236.

Jeffries L. W., Bracken, C. C., Jian, G., & Casey, M. F. (2009). The impact of third places on community quality of life. *Applied Research in Quality of Life*, 4(4), 333-345.

Latham A, Layton J. "Social infrastructure and the public life of cities: Studying urban sociality and public spaces", *Geography Compass*.

2019: 13: e 12444.

Mehta V (2013) "The street A Quintessential Social Public Space",
New York, Rout ledge.

Oldenburg, Ray (1989) "The Great Good Place", Da Capo Press.

Purnell D "Expanding Oldenburg: Homes as Third Places", Place
Management, 2015.

Sennett R (1976), "The Fall of Public Man", Cambridge University
Press, Cambridge.

